

تماشاخانه

instagram: hadi_heidari | دبیر گروه شهرونگ | **هادی حیدری**



خار مغیلان

فضای رسانه‌ای نامهربان و آفت جان است

ج) تعداد عکاس‌ها، مدل‌ها، نویسنده‌ها، گرافیست‌ها و روزنامه‌نگاران به یک‌دهم تعداد فعلی می‌رسد.
د) تولیدی‌های اکستنشن ورشکست می‌شوند.
ه) بیماران روانی به بیمارستان منتقل می‌شوند تا زندگی راحت‌تری داشته باشند.
خ) بچه‌های طفل معصوم یک نفس راحتی می‌کشند و به جای آرایش شدن و مسابقه ورزشی دادن و ژانگول بازی و مورد سوءاستفاده پدر و مادرها قرار گرفتن، می‌روند در کوچه بازی می‌کنند.
سوال ششم

از آنجایی که خبرهایی در کشور تولید می‌شود که فراتر از خط قرمزهای روزنامه است، به‌عنوان سوال آخر بفرمایید یک طنز نویس در این موقعیت چه خاکی باید بر سرش بریزد؟

الف) خبرگزاری‌ها و کانال‌های تلگرام را تهدید کند که خبرهای آن را به خط قرمزهای نزدیک کنید.
ب) از نهادهای ذیربط بخواهد که خبرگزاری‌ها و کانال‌های مربوط را توقیف کند.
ج) از نهادهای اقتصادی ذیربط بخواهد هر روز گوجه و خیار و سیب‌زمینی را گران کند تا طنزهای بی‌خاصیت از گران‌ترین این اقلام بنویسد.

د) این حوزه را رها کند و در اعیاد و مراسم شادی آفرین تقلید صدای خروس کند و با افت‌آراگ، در مورد مشکلات کارمندان بگوید و تریسی که از مادرزنش دارد، لطیفه‌های زیبا بگوید.
ه) در اینستاگرام روستی سرش کند و اعلام کند که معشوقش هم نامهربان است، هم آفت جان است، هم قدرش نداند، نداند نداند.

خ) بپذیرد که دوره طنز نویسی در روزنامه‌ها تمام شده!

می‌کنید؟
سوال سوم
یکی از نماینده‌های مجلس فرموده «بساط کنکور جمع شود.» واکنش مافیای کنکور به کدام گزینه تقرب دارد؟
الف) هارها رها ر
ب) هور هور هور
ج) زرت
د) نکشیمون بچه تهرون

سوال چهارم
وزیر راه: «حدود ۲.۲ میلیون واحد مسکونی بیشتر از خانوارها در کشور وجود دارد.» از آنجایی که برای دوستان ممکن نیست که بر خانه‌های خالی مالیات ببندند، چون صاحبان خانه ناراحت می‌شوند، بفرمایید چاره کار چیست؟
الف) پرنمایی واحدهای خالی... از مالکان خواهش کنیم که اعضای خانواده را تقسیم کنند و در این خانه‌ها ساکن شوند.
ب) اجازه پنهانی واحدهای خالی... کارمندان وزارت راه با لباس میدل بر خیابان بایستند و بگویند سوئیت‌ویلا.
ج) گفت‌وگو با صاحبان خانه‌های خالی... آن بزرگوار که معلوم شد چند هزار خانه در تهران دارد را پیدا کنیم و بپرسیم این چه کاریه آخه مرد حسلی؟
سوال پنجم

با توجه به شایعه فیلتر اینستاگرام که تکذیب هم شد، بفرمایید با فیلتر اینستاگرام چه اتفاقی خواهد افتاد؟
الف) هزاران آدم‌بیکار بیکار ترمی شوند.
ب) سلب‌ریتی‌های سبک زندگی و بوجی موجی و بست‌کننده کتاب با قوری دوباره از «آقای» و «شوهری» برای گذران زندگی استفاده می‌کنند.

آیدین سیار سریع
طنز نویس

سوال اول
از آنجایی که حذف نماینده‌های فوتبال کشورمان از رقابت‌های آسیایی تبدیل به روال مسابقات شده، به‌عنوان یک هموطن علاقه‌مند به فوتبال با کدام گزینه بیشتر آرام می‌شوید؟
الف) قیمت تنها یک بازیکن تیم‌های عربی با بودجه یک سال تیم‌های ما برابری می‌کند.
ب) داورها پنجاه پنجاه‌ها را به نفع تیم‌های عربی می‌گیرند. قبول نیست.
ج) به تیم‌های پایه ما مثل تیم‌های پایه تیم‌های عربی رسیدگی نمی‌شود. قبول نیست.
د) عرب‌ها با وقت‌کشی و بازی ناخواندانه برنده می‌شوند فلذا در پیشگاه اخلاق غالباً ما برنده‌ایم چیزی هم که از آدمیزاد به یادگار می‌ماند اخلاق است.

ه) ما چون فرهنگ غنی و تاریخ کهن داریم، به‌طور معمول قبل از بازی برنده‌ایم. با این برده‌انمی‌شود تاریخ درست کرد.

سوال دوم
با توجه به توییت اخیر یکی از مسئولان کشور با این مضمون که «بیدارین؟» پیش‌بینی شما از توییت‌های بعدی این نوکل باغ سیاست کدام گزینه است؟
الف) دو گیگ نت دارم. کی می‌بخواد؟
ب) چراغ نمیدین؟ قهرین؟
ج) داداشیابانگن چی تشنونه؟
د) نوموخواوم

ه) کوت کنین بیگن دیتاتون رو معمولاً کجا می‌ذارین؟ (معنی جمله: هم‌رسان نمایید و بگویید اطلاعاتتان را معمولاً در کجا ذخیره می‌کنید؟)

پیراگتتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راه‌ها؟
توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هشتصد و شصت و نهم



یکی از مدیران تلویزیون: به شکستن بت‌هایی مثل شاملو ادامه می‌دهیم

نشکیمون بت‌شکن!

«مجسمه فردوسی: «داداش من بت نیستیم، بذار صحیح و سالم وسط میدون بمونم!»

«نیما یوشیج: «ولم کنید، من پدر شعر نویستم، نه‌ایتا پسر خاله‌اش ام!»

«سعدی: «اگه نمی‌شکنیم می‌خوام پیر سم با منم کار دار ید یا نه!»

«خیام: «متونشکن، دو شاخه دیگه انگور بخورم، خودم می‌شکنم!»

«مولانا: «من که مهاجرت کردم ترکیه و خیالم راحت!»

«سهراب سپهری: «دست به من بز نید، آب رو گل می‌کنم!»

«حافظ: «تا کجا ادامه می‌دید؟ منم آماده باشم یا برم فالم رو بگیرم!»

«تبلیغات تلویزیون: «برای سفارش کلنگ فقط کافیس با ما تماس بگیر ید!»

#تو_زن_کلنگ_زن #شهر ونگ



صفحه طنز شهرونگ برگزار می‌کند دوره جامع طنز نویسی
زیر نظر هادی حیدری
۱۶ ساعت کلاس حضوری کارگاهی + دو ماه آموزش مجازی به همراه تصحیح متن و تمرینات
زیر نظر دبیر سرویس صفحه شهرونگ
مدرسین دوره و عناوین درسی:
سوشالی شبکه‌های فرد | مهاجرت طنز نویس در دوران با فضای نوکل‌های دنیا
حسام حیدری | آشنایی با شوخی نویسی (سوزن‌های، تک‌بند و قابله)
علی رمضان | روش‌های خلاقانه و کاربردی برای رسیدن به حالت نوشتن
محسن پورمحمدی | آشنایی با طنز داستان، طنز و تک‌بند
در پایان دوره از طنز آموزان برگزیده برای همکاری در صفحه شهرونگ، دعوت به عمل خواهد آمد.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۲۲۴۸۳۰۶۳۴ تماس حاصل کرده یا با دایرکت اینستاگرام شهرونگ در ارتباط باشید: @instagram.com/shahrvang1

شبگردی

دیوار برلین... دیوار دانشگاه... بعدی!

شهرام شهیدی
طنز نویس

موسیو شیطان پرسید: «داستان حذف...»
عمو حسام گفت: «حذف چهار تا صفر هیچ فایده‌ای در کنترل تورم ندارد. این خط، این هم نشان»
موسیو شیطان گفت: «منظورم این نبود. در مورد حذف...»

پدر پسر همسایه گفت: «من درد مشترکم. مطالب من هم برای چاپ دچار حذف و...»
موسیو شیطان ادامه داد: «باباجان! بگذارید حرفم را بزنم. در خصوص حذف دیوارهای دانشگاه سوال داشتیم»

عمو حسام گفت: «د بخشکی شناس. تا ما به آما دانشگاه شهرستانی پول دادیم که اسم مرا بگذارند روی دیوارهایش، فوری اعلام کردند دیوارها حذف خواهد شد؟»

گولاخ خان دودید سمت در. خانم باجی پرسید: «شما کجا باین عجله؟»
گولاخ خان جواب داد: «میرم چرخ دستی‌ام را بردارم، بروم تو محوطه دانشگاه خاکشیر و آب آلبالو بفروشم»
خانم باجی گفت: «من درست نفهمیدم چه شده»

موسیو شیطان گفت: «وزیر علوم گفته برای ارتباط بیشتر دانشگاه و جامعه در نظر دارد دیوارهای دانشگاه را حذف کند»

خانم باجی گفت: «ووووو... حالا فکر کردم چی شده مرد حسابی تو این مملکت از مرحله داشتن یک نظر تا اعمال آن نظر حداقل سی سال طول می‌کشد»

صدای ناشناسی از بیرون گفت: «ما هم برویم تجهیز انسان را آماده کنیم. منع ورود به دانشگاه برداشته شد و الان جان می‌دهد خیلی شیک و قانونی بروی توی دانشگاه و بزنی تو کار لوله‌سازی...»

گولاخ خان گفت: «الحق که بعد از رویداد حذف دیوار برلین، حذف دیوارهای دانشگاه حماسه جدیدی است. پیش به سوی گام بعدی»
خانم باجی پرسید: «گام بعدی چیست؟»

گولاخ خان پاسخ داد: «حذف دیوار چین»
موسیو شیطان گفت: «چینی‌ها ناخن خشک هستند و راحت دیوار می‌وار از دست نمی‌دهند. گام بعدی هم باید در همین کشور خودمان اتفاق بیفتد؛ مثلاً حذف دیوارهای محوطه‌های باستانی»

عمو حسام گفت: «البته حذف دیوارهای آثار باستانی در دستور کار نیست، اما حذف خود آثار باستانی چرا؟»

مادموال ناتو گفت: «من فکر کرد حذف نباشد. اشتباه در حفظ و مرمت است»

موسیو شیطان گفت: «دقیقاً مثل آماگه یعقوب لیت صفاری که می‌گویند بر اثر اشتباه پیمانکار تخریب شده است»

روح آقا جان گفت: «بادم هست چندسال پیش هم رفته بودم خانه مدرس را بخرند تا از تخریبش جلوگیری کنند. بعد از مدتی که ساختمان بغلی ملک را تخریب کرده بودند، تازه کار شناسان میراث فرهنگی فهمیدند خانه همسایه را جای خانه مدرس خریده‌اند و خانه‌ای که تخریب شده خانه اوست»

پدر پسر همسایه گفت: «همیشه آدم از همسایه‌اش...»

روح آقا جان گفت: «بله؟ بله؟ نفهمیدم چطور شد؟ تا وقتی که جیک‌جیک مستونتون هست، همسایه برادر و دوست است. همچنین که خرتان از پل گذشت و یکی از آن‌ور دنیا بیاید بگوید بالای چشمتان ابروست، فوری همسایه را از یاد می‌برید؟»

خانم باجی گفت: «حالا شما مسأله را سیاسی نکن. خانه پدری با سرزمین مادری دو مقوله از هم جداست»

گولاخ خان گفت: «این قدر حرف تو حرف می‌آوری که رسالت اصلی خودم را فراموش می‌کنم. من چرا این‌جا ایستادم به شما گوش می‌دهم. در حالی که عن قریب دیوار دانشگاه فرو می‌ریزد و من نباید این فرصت تاریخی را برای ورود به دانشگاه از دست بدهم»